گزارش ۲

زهرا چیذری

رؤیافروشی‌های مافیای مشاوره انتخاب رشته

«جوان» در گفت و گو با کارشناسان مافیای انتخاب رشته مشاوران زرد را مورد واکاوی قرار داده‌است

با صدور کارنامه اولیه کنکور و آغاز مهلت انتخاب رشته، این‌بار نوبت مشاوران زرد انتخاب رشته کنکور است که همچون مافیای کنکور رؤیا بفروشند! حتی اگر بیش از نیمی از داوطلبان مجاز در کنکور سراسری از انتخاب رشته صرف‌نظر کنند و ۸۵ درصد رشته‌های دانشگاهی بدون کنکور باشد، یا آمار شرکت‌کنندگان در کنکور ریاضی از آمار صندلی‌ها کمتر باشد و صد در صد شرکت‌کنندگان در این گروه آموزشی به شکل تضمینی به دانشگاه بروند، باز هم با صدور کارنامه اولیه کنکور سراسری، مؤسسات آموزشی و همان مافیای معروف کنکور دست به کار می‌شوند و با برگزاری وبینار و همایش و وعده‌های رنگارنگ سعی می‌کنند این‌بار به بهانه انتخاب رشته درست از این آب گل آلود ماهی بگیرد. در این میان کم نیستند داوطلبانی که با وعده پذیرفته‌شدن در رشته‌ها و دانشگاه‌های مورد نظر خود با ترفندهای انتخاب رشته در دام «مشاوران زرد» انتخاب رشته کنکور می افتند و پول‌های کلانی خرج می‌کنند بی آنکه برایشان سودی داشته باشد.

این روزها و از لحظه ای که کارنامه مرحله اول کنکور سراسری ۱۴۰۱ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی روی سایت سازمان سنجش و آموزش قرار گرفته، اضطرابی مضاعف داوطلبان مجاز کنکور را فرا گرفته‌است؛ جوانانی که گاهی نتایج کنکور با خواسته‌هایشان فاصله‌ای معنادار دارد و با دو دوتا چهار تای منطقی نمی‌توانند به رشته مورد علاقه و دانشگاه مدنظرشان وارد شوند. اینجاست که مؤسسات کنکوری یک‌بار دیگر دست به کار می‌شوند تا رؤیا بفروشند و امور غیرممکن را با عجی مجی لاترجی ممکن کنند! اگر شما هم کنکوری باشید یا یکی از اعضای خانواده‌تان از داوطلبان مجاز کنکور باشد، حتماً با تبلیغات عجیب و وعده و وعیدهای انتخاب رشته‌ای مؤسسات کنکوری و مشاوران زرد کنکور مواجه شده‌اید.

انتخاب رشته‌هایی که میلیونی آب می‌خورد

انتخاب رشته‌های تضمینی و وبینارهایی که رؤیا می‌فروشند در شهر تهران و برای طبقاتی که پولش را دارند، گاهی میلیونی آب می‌خورد؛ وبینارهایی از ۲ میلیون و انتخاب رشته‌هایی تا ۸ میلیون تومان! محمد داوری، کارشناس آموزش در گفت و گو با «جوان» ضمن تأیید رقم‌های نجومی برای انتخاب رشته تأکید می‌کند: «در تهران و شهرهای بزرگ است که خانواده‌ها این مبالغ را پرداخت می‌کنند و اینها ادامه مافیای کنکور است.» داوری با تأکید بر اینکه مشاوران زرد کنکور در بحث انتخاب رشته را باید ذیل مافیای کنکور در نظر گرفت، می‌افزاید: «این مسئله هم از پیامدهای پدیده کنکور است و این مشاوره‌ها بیش از آنچه مؤثر باشد و جنبه مشورتی داشته‌باشد، در ذهن داوطلبان و خانواده‌ها جلوه می‌کند و تبدیل به شعبده‌بازی‌های پیچیده‌ای شده که انگار مشاور معجزه می‌کند. این در حالی است که رتبه مشخص و وضعیت صندلی‌های دانشگاه‌ها هم مشخص است و چیز پیچیده‌ای نیست و خود داوطلب می‌تواند تشخیص دهد احتمال قبولی‌اش در کدام رشته و دانشگاه بیشتر است.»

تعریفی از مشاوران زرد

مشاوران زرد چه کسانی هستند؟ داوری در پاسخ به این سؤال «جوان» اینگونه توضیح می‌دهد: «در اصطلاح مشاوران زرد افرادی هستند که مهارت و دانش لازم را ندارند، اما مثل یک دلال زبان‌باز و شعبده‌باز خودشان را به گونه‌ای معرفی کرده‌اند که انگار مهارت دارند، در حالی که انتخاب رشته مهارت پیچیده‌ای نیست.» وی معتقد است مشاوره در حوزه کنکور و ورود به دانشگاه امری مستمر است و توصیه می‌شود اگر فردی برای کنکور هدف‌گذاری خاصی دارد، از دوره دهم شروع شود و فرآیند مشاوره تحت عنوان هدایت تحصیلی و شغلی بر اساس واقعیت‌ها انجام گیرد نه آمارها که همه را متوجه به چند رشته در چند دانشگاه کنند و همه را در این رقابت بیندازند. به طور نمونه از ابتدا و در پایه نهم چشم‌انداز درستی تصویر شود که مثلاً شما بهتر است فوق دیپلم فنی حرفه‌ای بگیرید و در کار تأسیسات، برق یا الکترونیک به جامعه خدمت کنید.

لزوم مشاوره پیشاکنکوری هدفمند

از نگاه داوری باید یک مشاوره هدفمند پیشاکنکوری شکل بگیرد و بر اساس نیازها، ضرورت‌ها، علایق و زمینه شغلی باشد، ما این همه پشت کنکوری نداریم و همین تعداد ۵۵ درصدی که انتخاب رشته نمی‌کنند چرا باید در کنکور شرکت کنند؟! در حالی که می‌توانند از مسیرهای دیگری موفق و وارد بازار کار شوند. وی معتقد است کنکور آسیب‌ها و فشارهایش را روی کسانی وارد می‌کند که اصلاً نباید کنکور دهند! داوری می‌افزاید: «در حالی که نیمی از داوطلبان انتخاب رشته نمی‌کنند، نیم دیگری که انتخاب رشته می‌کنند، هدف مشاوران زرد هستند. از این ۴۵ درصدی که انتخاب رشته می‌کنند بیش از نیمی اصلاً امیدی به قبولی ندارند، اما مشاوران زرد به آنها هم امید می‌دهند، چون می‌خواهند بازارهای خود را گسترش دهند و ۴۵۰ هزار نفر متقاضی مشاوره آنها باشند. در حالی که با کدام معادله برای این افراد امیدبخش است؟ اما اینها طوری امید می‌دهند که ما جوری رشته‌های شما را می‌چینیم که رشته مورد نظرت قبول شوی! اینها بی‌اخلاقی‌هایی است که در حوزه مشاوره زرد انجام می‌گیرد. البته تعداد معدودی هستند که بر اساس واقعیت مشاوره می‌دهند، اما در حاشیه هستند، چون تبلیغات ندارند.» از نگاه داوری آمار ۵۵- ۵۴ درصد افرادی که انتخاب رشته نمی‌کنند، خودمحکم‌ترین دلیل برای تجدیدنظر در پدیده کنکور است. ۸۵ درصد رشته‌ها هم که نیاز به کنکور ندارد، اما فشار خانواده‌ها موجب می‌شود تا افراد در کنکور شرکت کنند. در حالی که اگر فرد اصلاً در کنکور شرکت نکند، از نظر روانشناختی حس بهتری دارد نسبت به خودش تا شرکت کند و رتبه بسیار بالایی داشته باشد، در حالی که ممکن است در رشته‌های دیگری استعداد داشته‌باشد، اما متأسفانه نگرش کنکوری به ابتدایی کشیده شده و والدین فرزندشان را در مدرسه‌ای ثبت‌نام می‌کنند که چشم‌انداز کنکوری دارد و این سند جنایت تفکیک انواع مدارس طبقاتی کردن تربیت و آموزش طبقاتی به روح و روان افراد است.

سوداگری‌های شبه‌کنکوری

مسعود سعادتی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان هم درباره فعالیت مشاوران زرد کنکور به «جوان» می‌گوید: «با توجه به فرآیند پذیرش هزینه‌کردن برای انتخاب رشته منطقی نیست. در حال حاضر دانش‌آموزان از قدرت انتخاب بالایی برخوردارند و از سوی دیگر فرآیند پذیرش به گونه‌ای است که حتی اگر اولویت پایینی هم انتخاب کنند، اگر نمره فرد با آن رشته تناسب داشته‌باشد می‌تواند قبول شود. بر این اساس به نظرم بازاری که در خارج از آموزش و پرورش برای انتخاب رشته ایجادشده بیشتر جنبه سودجویی دارد، مگر در مواردی که این مؤسسات بخواهند رشته‌ها را به لحاظ درس‌ها یا بازار کار به داوطلبان معرفی کنند، می‌تواند کارکرد داشته‌باشد. چون همه داوطلبان از جزئیات همه رشته‌ها آگاهی ندارند، اما برای انتخاب رشته بهتر است دانش‌آموز به ترتیب علاقه‌مندی‌اش رشته‌ها را انتخاب کند و با توجه به رتبه و نمره علمی می‌تواند در یکی از رشته‌های مورد علاقه‌اش پذیرفته شود.» وی معتقد است فعالیت مشاوران زرد برای انتخاب رشته قطعاً سوداگری است و از سوی دیگر چون خارج از آموزش و پرورش اقدام می‌کنند، هر جور دلشان می‌خواهد رفتار می‌کنند و هر قدر تیغشان ببرد، پول می‌گیرند! از نگاه سعادتی مشاوره برای انتخاب رشته به درد افرادی می‌خورد که اطلاعاتشان کم باشد و هیچ شناختی ندارند. از سوی دیگر چون خارج از آموزش و پرورش هستند، ممکن است در معرفی و دادن اطلاعات هم برای برخی رشته‌ها بازارتراشی و خلاف سیاست‌های کلان در کشور عمل کنند. وی می‌افزاید: «اینجا هم بساطی مانند کنکور درست شده‌است، اما خانواده‌ها باید آگاه باشند و در دام این افراد نیفتند.» رؤیای رشته و دانشگاهی خاص اما همچنان از سر گروه معدودی از افراد دست بر نمی‌دارد و این یعنی امتداد بازار داغ مافیایی که یک روز نانش در کنکور است و روز دیگر انتخاب رشته!

توهم در کوره‌های آجرپزی!

گزارش میدانی «جوان» از وضعیت ساکنان کوره‌های آجرپزی و وعده‌های اجرایی نشده مسئولان

گزارش یک

مهسا گربندی

در چند کیلومتری جنوب تهران و در نزدیکی شهری که برخی زندگی لاکچری دارند، خانواده‌هایی در حاشیه شهر و در کوره‌های آجرپزی زندگی می‌کنند که از حداقل امکانات بهداشتی نیز بهره‌مند نیستند. این در حالی است که کوره‌های بدون امکانات نیز، بالای شهر و پایین شهر دارد!

شبیه به فیلمنامه‌ای غمگین می‌ماند؛ زیر آسمان این شهر شلوغ، گذران زندگی ساکنان کوره‌های آجرپزی با سایر پایتخت‌نشینان تفاوت خیلی زیادی دارد. انگار سیاهی دود کوره‌ها، به مرور زمان زندگی آنها را تاریک و آینده نامشخصی را برایشان ترسیم کرده‌است. تعدادی از خانواده‌ها از حومه شهرها یا روستاها به کوره‌آجرپزی آمده‌اند تا بعد از مدتی از اینجا به جای دیگری بروند، اما چند سال است که در اتاق‌های کوچک اطراف کوره ماندگار شده‌اند.

سرکشی و گزارش‌نویسی درباره کوره‌های آجرپزی سال‌هاست که در رسانه‌ها انجام شده و خبرنگاران زیادی نیز درباره وضعیت نامناسب آن نوشته‌اند. اینکه وضعیت ساکنان کوره‌ها خوب نیست، یک حرف تکراری است، اما دلیل رفتن خبرنگار «جوان» به یکی از کوره‌های آجرپزی و تهیه گزارش از وضعیت بد آنها، مشکلات پابرجا و حل‌نشده ساکنان کوره‌هاست تا شاید مسئولان چاره‌ای برای وضعیت آنها بیندیشند و این‌بار دیگر اقدامی کنند.

از طرفی کوره آجرپزی پاکدشت یک کوره فعال است که کمتر توجهی به آن شده‌است، در صورتی که اگر حمایت‌های لازم از سوی دولت و خیرین در این منطقه وجود داشته‌باشد و امکانات بهداشتی و فرهنگی برای ساکنان آن فراهم شود، کودکان زیادی از شرایط سخت زندگی نجات پیدا خواهند کرد و شاید آنها روزی بتوانند از این کوره جدا شوند و زندگی بهتری داشته‌باشند.

خانه‌ای برای آموزش و بازی بچه‌های کوره

با خانم دانه‌کار، مسئول گروه‌های جهادی حنیفا قرار می‌گذارم و به سمت مکان‌نمایی که فرستاده حرکت می‌کنم. نزدیک مقصد که می‌شوم، دیگر خیابانی نیست و باید وارد مسیر خاکی شوم. مسیری که ادامه آن را می‌روم خلوت است و هیچ‌کس دیگری حضور ندارد. شک می‌کنم که شاید آدرس را اشتباه آمده‌باشم؛ چشم‌چشم می‌کنم تا ببینم چقدر تا مقصد، فاصله است که کمی جلوتر دیوارهای رنگ‌آمیزی شده‌ای را می‌بینم که روی آن نوشته شده «حنیفا».

نزدیک دیوار که می‌شوم، سروصدای چند کودک را می‌شنوم، یکی از آنها در خانه را باز می‌کند و با خنده معصومانه‌ای که روی لب دارد، سلام می‌کند. جواب سلامش را می‌دهم و بعد از پارک کردن ماشین به سمت در حرکت می‌کنم. با وارد شدن به خانه حنیفا، شلوغی جمعیت بچه‌ها، شوکه‌ام می‌کند؛ در جاده خاکی که هیچ خانه‌ای در مسیر وجود نداشت، این همه بچه از کجا به اینجا آمده‌اند؟! گوشه‌ای از محوطه، خانم دانه‌کار روی صندلی نشسته‌است و بچه‌ها دورش حلقه زده‌اند. کودکان زیادی با دمپایی و کفش‌های پاره در حال رفت و آمد هستند و چند نفرشان دارند فوتبال بازی می‌کنند. چند نفری هم روی صندلی نشسته‌اند. بعد از ورود من به خانه حنیفا، دو سه کودک دیگر هم وارد می‌شوند که یکی از آنها صورتش تاول زده‌است؛ حدس می‌زنم به خاطر کار در کوره‌ها باشد.

خانم دانه‌کار اسم بچه‌ها را در دفتر رنگی که روی پایش گذاشته می‌نویسد و از یکی از خانم‌های مربی که همراهش است، برای اسم باقی بچه‌ها سؤال می‌پرسد تا مبادا کسی جا بماند. در همین حین او چشمش به من می‌افتد؛ پس از سلام و احوالپرسی، طبق قرار قبلی، برای صحبت با ساکنان کوره‌های آجرپزی حرکت می‌کنیم.

اتاق‌های رایگان اما پرغصه!

مسئول گروه جهادی حنیفا، من را به سمت حفره‌ای که روی یکی از دیوارها وجود دارد، می‌برد؛ سرش را خم می‌کند و از آن رد می‌شود. این مسیر رفت و آمد برایم عجیب است، اما با او همراه می‌شوم. از پله‌ها که پایین می‌رویم، وارد اتاق مخروبه‌ای می‌شویم که پشت دیوار قرار گرفته‌است! از اتاق مخروبه بیرون می‌رویم، به محوطه‌ای می‌رسیم که دور تا دور آن، درهای کوچکی است که جلوی هر کدام از آنها پرده‌های نازک و کهنه کشیده‌اند. چند دمپایی و کفش کهنه پشت درها به چشم می‌خورد، به نظر می‌آید هر اتاق، قصه‌ای تلخ برای گفتن دارد.

به سمت یکی از درها می‌رویم. خانمی خوش‌برخورد به استقبالمان می‌آید. او که خودش را مریم معرفی می‌کند، درباره وضعیت کوره‌های آجرپزی می‌گوید: «من و سایر ساکنان کوره‌های آجرپزی، جایی را برای ماندن نداریم، برای همین به این اتاق‌ها آمدیم. در ازای اجاره اتاق و پول آب، برق و گاز برای کارفرمای کوره‌ها کار می‌کنیم.» از او درباره درآمدشان سؤال می‌پرسم که می‌گوید: «درآمد ساکنان اینجا خیلی ناچیز است. تصور کنید خانواده‌ای که زن و شوهر و دو بچه بزرگ کار کنند. در مجموع ۵میلیون تومان حقوق می‌گیرند، اما خانواده‌ای که زن یا مرد یا هر دو کار کنند، ۱/۵ تا ۲میلیون تومان در ماه حقوق دارند.» از او می‌پرسم چند سال است که به اینجا آمدید، پاسخ می‌دهد: «دو سالی می‌شود. پیش از این شوهرم در یک دامداری در حاشیه خراسان جنوبی کار می‌کرد و بعد از اینکه بیکار شد به این کوره‌ها آمدیم.» او در پاسخ به این سؤال که چند خانواده در اینجا زندگی می‌کنند، می‌گوید: «تعداد ساکنان این کوره آجرپزی کم نیست. ۲۱۰ خانواده اینجا زندگی می‌کنند که ۸۰ خانواده ایرانی و مابقی آنها افغانستانی هستند.»

فرغونی که برای جابه‌جایی وسایل در «خانه حنیفا» از آن استفاده می‌کنند، وسیله بازی بچه‌هاست

خلأ امکانات بهداشتی و امنیت حداقلی

در چند قدمی ما خانمی ایستاده که دختر کوچکی همراهش است. به او سلام می‌کنم و درباره وضعیت زندگی‌اش سؤال می‌پرسم. او که خودش را نرگس معرفی می‌کند، می‌گوید: «شوهرم معتاد به شیشه‌است و جایی را ندارم که بروم. من و دختر کوچکم در کوره‌ها کار می‌کنیم و شوهرم هر چقدر درآمد داشته باشیم از ما می‌گیرد و خرج مواد می‌کند.» او ادامه می‌دهد: «زندگی در کوره‌ها خیلی سخت است. ما از سر ناچاری به اینجا آمدیم. اگر می‌توانستم جایی را برای زندگی پیدا کنم، قطعاً با دخترم از اینجا می‌رفتم. اینجا حداقل امکانات را برای زندگی دارد. به تازگی یک خیر به اینجا آمده و حمام عمومی برایمان ساخته‌است؛ حمامی که گاهی آبگرمکنش خراب می‌شود و نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم، اما مگر چاره دیگری هم هست؟»

خانم حدوداً ۵۰ ساله‌ای که ما را از دور می‌بیند که با هم صحبت می‌کنیم، توجهش جلب می‌شود و نزدیکمان می‌آید. از او درباره شرایط زندگی‌اش می‌پرسم که می‌گوید: «من ۴۰ سال است که در این اتاق‌ها زندگی می‌کنم. همین جا عروسی کردم، همین‌جا بچه‌دار شدم و هنوز نتوانستم از اینجا بیرون بروم.» او درباره مشکلاتش برای زندگی در این اتاق‌ها می‌گوید: «درد ما فقط زندگی در این اتاق‌ها و نبود امکانات نیست. اینجا امنیت هم ندارد. ما خانم‌ها جرئت نداریم بدون همسرمان پایمان را بیرون بگذاریم. همین چند وقت پیش موتور قسطی یکی از اهالی اینجا را با زورگیری در جاده دزدیدند. اینجا معتاد زیاد است، توهم می‌زنند و بچه‌ها در خطرند. خدا فقط باید به ما و کودکانمان رحم کند که در امان بمانیم.» او ادامه می‌دهد: «مدرسه دخترانم ۲۰ دقیقه دورتر از اینجاست. هر روز که بخواهند به مدرسه بروند و بیایند دلهره دارم که مبادا کسی اذیتشان کند یا جانشان در خطر باشد.»

حضور نسترن دانه‌کار در کنار کودکان، یعنی بچه‌ها صدایی دارند که به رسانه‌ها و مسئولان برسانند

اگر میلیونر شوند هم همین‌جا می‌مانند!

بعد از صحبت با ساکنان اتاق‌های کوره، به سمت همان اتاق مخروبه و حفره دیوار که آمده‌بودم، حرکت کردم تا به خانه حنیفا برگردم. در این مدت زمان که به سمت اتاق‌ها رفته بودم، زیراندازهایی را در محوطه خانه حنیفا پهن کرده و بچه‌ها روی آن نشسته‌اند. خانم دانه‌کار سرگرم آماده کردن شربت برای بچه‌ها شده‌است و دو مربی دیگر نیز به او کمک می‌کنند. نزدیکش می‌روم و با او درباره حرف‌هایی که از ساکنان کوره شنیده‌ام، صحبت می‌کنم. از مسئول گروه جهادی حنیفا می‌پرسم چرا ساکنان کوره دیگر از اینجا نمی‌روند، می‌گوید: «کوره‌های آجرپزی معروف است از تربت حیدریه، جام و برخی نقاط دیگر برای کار به اینجا می‌آیند. البته قدیم‌ترها پدران خانواده برای کار در کوره‌های آجرپزی به اینجا می‌آمدند و برای اینکه از همسر و فرزندانشان دور نباشند، اتاقی را برای اسکان خانواده به او می‌دادند. به مرور زمان چون این کارگران جایی را برای ماندن نداشتند، همین جا ماندند و اتاق‌ها تبدیل به خانه‌ای برای زندگی‌شان شد.» از او می‌پرسم چه کاری می‌توان انجام داد تا این خانواده‌ها از کوره خارج شوند و فرزندانشان از آسیب‌هایی که تهدیدشان می‌کند، نجات پیدا کنند که پاسخ عجیبی می‌دهد و می‌گوید: «سال‌هاست که کنار ساکنان کوره فعالیت می‌کنم و به قطعیت می‌گویم اکثر این خانواده‌ها حتی اگر میلیونر هم شوند، از اینجا نمی‌روند. آنها به این نوع زندگی عادت کرده‌اند و تا فرهنگی که دارند تغییر نکند از اینجا نخواهند رفت.»

کوره‌های غیرفعال اما پردرآمد

حسابی گیج شده‌ام؛ می‌پرسم چطور می‌شود به ساکنان کوره‌های آجرپزی کمک کرد، می‌گوید: «جز رسیدگی به کودکان و نوجوانان این مناطق و نجات آنها از این فقر مالی و فرهنگی کاری نمی‌شود کرد. تلاش گروه حنیفا هم همین است. ما اکثراً به بچه‌ها رسیدگی می‌کنیم و سعی در آموزش و توانمند کردن آنها برای ساختن آینده بهتری برایشان داریم. دلم برای کودکان این منطقه خیلی می‌سوزد. یکبار می‌خواستم آنها را به اردو ببرم، خیلی‌هایشان نمی‌دانستند بیرون از کوره چه شکلی است! حتی دو سه نفرشان نمی‌دانستند برای بیرون رفتن از این منطقه باید «کفش» بپوشند!» او به لزوم حمایت‌های دولتی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «سازمان‌ها و نهادهای دولتی به راحتی می‌توانند به این کوره‌ها سروسامان دهند. آن کوره‌هایی را که دیگر فعالیت ندارند، جمع کنند و کوره‌هایی را هم که فعال هستند، از لحاظ فرهنگی، بهداشتی و امنیتی مجهز کنند.» می‌گویم مگر کوره آجرپزی غیرفعال هم داریم؟ با لحنی جدی و اعتراض‌گونه می‌گوید: «مدتی بود که در کوره‌های آجرپزی شمس‌آباد فعالیت می‌کردم، اما دیگر حاضر نیستم به آنجا بروم. صاحبان کوره آجرپزی از هر اتاق ۱۲ متری ماهانه ۶ میلیون تومان اجاره می‌گیرند، در حالی که کوره‌هایش غیرفعال هستند و کسی در آنجا کار نمی‌کند.» می‌پرسم ساکنان اتاق‌های این کوره توان پرداخت ماهانه ۶ میلیون تومان اجاره را دارند؟ با ناراحتی می‌گوید: «متأسفانه این کوره معروف شده و خیرین بدون هیچ تحقیقی به ساکنان کوره شمس‌آباد کمک می‌کنند. همین باعث‌شده آنها نه دنبال کار باشند و نه فکر نجات فرزندانشان از شرایط بد زندگی! فقط دست‌شان را جلوی مردم دراز می‌کنند و ماهی ۶میلیون تومان به صاحب کوره می‌دهند و مابقی را هم خرج خورد و خوراکشان می‌کنند.»

او به مشکلات کوره آجرپزی «دولت‌خواه» نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «در دولت‌خواه که اصلاً صاحب کوره‌ای وجود نداشت و خارج از کشور بود. چند سال پیش می‌خواستیم اتاق در آنجا اجاره کنیم و به کودکان آموزش دهیم که شهرداری هم کمکمان کرد. آن موقع بود که فهمیدیم صاحب کوره در ایران نیست. وضعیت کوره‌های «خاورشهر» و «محمودآباد» نیز ترکیبی از شمس‌آباد و دولت‌خواه است که دولت باید به همه آنها رسیدگی کند.» او ادامه می‌دهد: «آن‌طور که من طی فعالیتم در کوره‌های آجرپزی فهمیدم، تنها کوره‌ای که فعال است کوره آجرپزی پاکدشت است. به عقیده من دولت باید کوره‌هایی را که خاموش است، جمع کند و کاربری آنها را تغییر دهد، چراکه به‌جای اشتغالزایی و کمک به اقتصاد کشور، آسیب اجتماعی ایجاد کرده‌است و با آینده کودکانی که در کوره‌های خاموش هستند، بازی می‌کند.»

کودکان کوره‌ها را نجات دهید

از خانم دانه‌کار درباره کمک‌هایی که دولت یا خیرین می‌توانند به کوره آجرپزی پاکدشت کنند، می‌پرسم. او می‌گوید: «کوره‌های آجرپزی پاکدشت باید از لحاظ بهداشتی و درمانی رسیدگی شود و سطح امنیت آن بالا برود. خیرین هم نباید بدون هیچ تحقیقی و آزادانه به ساکنان این کوره‌ها کمک کنند، زیرا در این صورت شاهد پدید آمدن کوره شمس‌آباد دیگری خواهیم بود که مردمش بدون تلاش برای تأمین زندگی‌شان دست‌شان را جلوی مردم دراز می‌کنند و سبک زندگی‌شان به سمت گدایی می‌رود.»

مسئول گروه جهادی حنیفا با تأکید بر توجه به کودکان ساکن کوره‌ها می‌گوید: «دولت و خیرین اگر دغدغه‌ای برای حل مشکل ساکنان کوره‌های آجرپزی دارند، اولویتشان نجات بچه‌ها از کوره‌ها باشد. توانمند کردن این بچه‌ها از لحاظ آموزشی و فرهنگی یعنی توانمند کردن یک نسل در آینده و نجاتشان از زندگی در شرایط بد. نباید این بچه‌ها به حال خودشان رها شوند و باید فکری برای آینده آنها کرد.»

او در پایان می‌گوید: «اگر همه کمک‌های مردمی و نذوراتشان برای محرومان و حاشیه‌نشینان شهر با انجام تحقیق و سازماندهی شده‌باشد، به طور حتم اتفاقات خوبی می‌توان در این زمینه رقم زد و نتیجه این کمک‌ها را به خوبی می‌توان دید. در غیر این صورت جز تقلا کردن و هدر دادن کمک‌های خیریه کار بیشتری انجام نمی‌شود.»

بچه‌های کوره‌پزخانه در «خانه حنیفا» حضور گرم و پرشوری داشتند

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۶۴۳

«امتحانات فرزند شما نزدیک است. لابد امیدوارید که فرزندتان به خوبی از عهده آنها برآید، اما به این بیندیشید در بین دانش‌آموزان هنرمندی وجود دارد که نباید لزوماً چیزی از ریاضی بداند. یا کارآفرینی که تاریخ ادبیات برایش اهمیتی ندارد یا موسیقیدانی که شیمی برای او پشیزی نمی‌ارزد.

اگر فرزندتان در امتحانات موفق شد که چه عالی، وگرنه کرامت و اعتماد به نفس را از او نگیرید.

به فرزندتان بگویید که این تنها یک امتحان است. احتمالاً او برای چیزهای بزرگ‌تری ساخته شده‌است!

بگذارید بفهمد که به او عشق می ورزید و به خاطر نمرات بد سرزنشش نمی‌کنید.

خواهید دید که فرزند شما دنیا را فتح خواهد کرد!

تصور نکنید که تنها پزشکان و مهندسان، خوشبخت‌ترین افراد روی زمین هستند.»

این نامه مدیر مدرسه‌ای در آلمان است، به والدین دانش‌آموزانی که در آستانه امتحانات هستند؛ واقعاً شاهکار نیست؟!

ویژه

علیرضا سزاوار

جهان‌بینی با «خیام»

نخستین داده‌های تله‌متری ماهواره خیام از مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین دریافت شد

در یک همکاری مشترک با کشور روسیه، ماهواره پیشرفته خیام، روز گذشته از ایستگاه فضایی بایکونور به فضا پرتاب شد. این ماهواره سنجش از دور، قابلیت تصویربرداری با دقت یک متر را دارد و مالکیت آن در اختیار سازمان فضایی ایران است. مرکز کنترل عملیات ماهواره، ارسال فرامین و ایستگاه‌های اخذ داده‌های ماهواره در خاک ایران و تحت مدیریت محققان ایرانی قرار دارد. قرارداد ماهواره خیام در دولت گذشته و در دوران برجام و با اشکالات حقوقی و فنی زیادی منعقد شد و راه به جایی نبرد. طی ۱۱ ماه گذشته به همت سازمان فضایی اقدامات زیادی صورت گرفت تا در نهایت خیام ایرانی راهی فضا شد.

در سال‌های اخیر ایران توانایی طراحی و ساخت ماهواره‌های سنجشی با دقت تصویربرداری تا ۱۰ متر را پیدا کرد. سال گذشته هم با پرتاب ماهواره نور ۲ با ماهواره‌بر قاصد، فناوری ارسال ماهواره‌های زیر ۵۰کیلوگرم به مدار ۵۰۰ کیلومتری کاملاً بومی شد.

قرارداد حقوقی عجیب خیام

با همت محققان و مهندسان ایرانی تا پایان امسال توانمندی تزریق ماهواره‌های تا ۱۰۰ کیلوگرم به مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین تثبیت خواهد شد. در همین راستا روز گذشته با توجه به وزن بیش از نیم تنی ماهواره خیام و نیز درصد بسیار بالای موفقیت پرتابگر سایوز، پرتاب ماهواره خیام به کشور روسیه واگذار شد؛ اقدامی که همکاری با غول فضایی جهان در اوج تحریم‌ها را هم کلید زده‌است. ماهواره خیام ۱۰صبح دیروز از ایستگاه فضایی بایکونور قزاقستان به مدار ۵۰۰کیلومتری پرتاب شد. سیگنال‌های ارسالی آن هم در پایگاه فضایی ماهدشت قابل دریافت و مشاهده هستند. قرارداد ماهواره خیام سال ۹۶ با اشکالات حقوقی و فنی زیادی منعقد شد. به طور مثال اختیار تمدید ضمانتنامه بانکی انجام تعهدات به پیمانکار واگذار شده‌بود! مکانیزم شفافی هم برای بازگرداندن ماهواره به کارفرما (ایران) در صورت موفقیت آمیز نبودن پرتاب ماهواره پیش‌بینی نشده‌بود! این مشکلات و نواقص موجب شد پرتاب ماهواره در مهلت مشخص انجام نشود. در دولت سیزدهم، وزیر ارتباطات به سرانجام رساندن پروژه ماهواره خیام را به عنوان یک مأموریت ویژه به سازمان فضایی واگذار کرد.

تلاش امریکایی‌ها برای زمینگیر کردن خیام

طی ۱۱ ماه گذشته اقدامات حقوقی و فنی بسیار سنگینی از سوی سازمان فضایی با استفاده از ظرفیت کارشناسان و متخصصان داخل سازمان برای احیای این پروژه بر زمین مانده انجام شده‌است.

در نتیجه این پیگیری‌های فشرده، قرارداد جدیدی منعقد شد و در آن تمامی نکات مورد نظر ایران که در قرارداد اولیه لحاظ نشده بود، در متن قرارداد جدید گنجانده شده و به امضای طرفین رسید. طبق قرارداد جدید کشور روسیه متعهد به پرتاب ماهواره در تاریخ مشخص و با ماهواره‌بر سایوز شد. جالب اینکه ماهواره خیام آن‌قدر دارای اهمیت است که موضوع مذاکره مستقیم و حضوری دو رئیس جمهور آمریکا و روسیه هم بوده‌است. ماهواره خیام یک ماهواره سنجش از دور با قابلیت تصویربرداری با دقت یک متر و تحت مالکیت سازمان فضایی ایران است. افزایش بهره‌وری در حوزه کشاورزی، پایش دقیق منابع آبی کشور، مدیریت مخاطرات طبیعی، نظارت بر تغییرات کاربری، ساخت و سازهای غیرمجاز و مقابله با جنگل‌خواری، پایش مخاطرات زیست‌محیطی، پایش معادن و اکتشافات معدنی، پایش مرزهای کشور تنها اندکی از کاربردهای غیرنظامی ماهواره خیام است.

زیرساخت‌های لازم جهت کنترل و بهره‌برداری از این ماهواره در پایگاه‌های فضایی متعلق به وزارت ارتباطات تعبیه شده‌است. از لحظه پرتاب هم داده‌های فضایی حاصل از فعالیت این ماهواره تنها در اختیار ایران قرار دارد. تا انتهای دولت سیزدهم هم امکان دستیابی به مدار ۵۰۰ برای اوزان تا ۵۰۰ کیلوگرم محقق خواهد شد. پرتاب خیام با توجه به وزن ماهواره و قابلیت اطمینان پرتابگر سایوز به روس‌ها واگذار شده و در آینده نزدیک این مهم توسط پرتابگرهای داخلی انجام خواهد گرفت.

سنجش از دور با خیام

ماهواره خیام یک ماهواره سنجشی است که از آن برای ارتقای توانایی مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در حوزه‌های مختلف کشاورزی، منابع طبیعی، محیط‌زیست، منابع آبی، معادن و پایش مرزها و مدیریت حوادث غیرمترقبه استفاده می‌شود. این ماهواره پیشرفته تحت کنترل و مدیریت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان فضایی ایران است.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

ایراندوست – تهران: از صدا و سیما به خاطر برنامه زیبا و تأثیرگذار معلی تشکر می‌کنم. این برنامه با اجرای مجری توانا و همچنین مداحان حاضر که خودشان در مداحی صاحب سبک هستند، به خوبی حال و هوای محرمی به شبکه ۳ سیما داد. تشکر فراوان هم بابت میدان دادن به نوجوانان و جوانان که در ابتدای راه هستند و با این برنامه به نحوی تشویق شدند و حتی بینندگان نوجوان و جوان را ترغیب به این مهم کردند. تشکر فراوان.